

علویان در ترکیه

○ هدی کنعان

○ ترجمه: علی علیمحمدی

حکومت‌های وقت، به ویژه در عهد امپراتوری عثمانی می‌داند. (صص ۴۸-۳۵) مؤلف دربارهٔ چگونگی پراکندگی علویان در مناطق مختلف، می‌نویسد: با ظهور و گسترش علویان، این طایفه در نقاط مختلفی که با عادات و سنن اجتماعی و اعتقادات قومی آنان همسو بود، پراکنده شدند. آنها از زمان حضرت علی(ع) و ابوذر، رمز پویایی و زنده بودن خود را در مقاومت، وحدت و یکپارچگی می‌دانستند. امروزه تعداد علویان ساکن در ترکیه یک سوم کل جمعیت آن کشور که نزدیک به ۶۵ میلیون نفر می‌باشد، تخمین زده می‌شود و عمدتاً در میان سه قوم کرد، ترک و عرب پراکنده هستند.

علویان عرب که به نصیریان معروف می‌باشند، در حال حاضر بیشتر در مناطق اسکندرون، ادنا و آنتاکیه پخش شده و جمعیتی حدود ۲۵۰ هزار نفر را تشکیل می‌دهند.

از طرفی علویان کرد با جمعیتی حدود پنج تا هفت میلیون نفر، در مناطق بینگل، تون جلی، سیواس، یوزگات، الازیق، قهرمان و دیگر مناطق کردنشین در جنوب شرقی ترکیه، پراکنده هستند.

علویان ترک تبار نیز که به قزلباش‌ها معروف می‌باشند، به طور عمده در منطقه آناتولی داخلی و غربی و تا حدودی هم در حاشیه دریای سیاه ساکن هستند. افزون بر این سه قوم، علویان ترکمن نیز در مناطق قارص، توقات، چوروم، بالک اسیر و ازمیر ساکن هستند. (صص ۹۱-۷۳)

الجهمانی در مورد وضعیت علویان در عهد عثمانی و ارتباطشان با حکومت صفویه و نحوه برخورد حکومت عثمانی با آنان، بر این اعتقاد است که علویان در طول حاکمیت عثمانیان، از طراحان اصلی جنبش‌های متوالی علیه حکومت عثمانی بوده‌اند. جنبش‌هایی که گاهی جنبه دینی و مذهبی و گاهی جنبهٔ قومی و ملی (کردی) داشته است. این طایفه در تاریخ سیاسی دوران عثمانی به عنوان هواداران و پیروان دولت صفوی معروف شدند که این امر یا به دلیل نزدیکی آنان به تشیع بوده یا با انگیزه‌های سیاسی دیگری همراه بوده است.

اما آنچه روشن است این که علویان قربانی نزاع میان حکومت‌های صفویه و عثمانی، بویژه بعد از جنگ چالدران (۱۵۱۴ م.) شدند، چرا که

کتاب حاضر به بررسی تاریخیچه و سرگذشت علویان در آناتولی، از زمان امپراطوری عثمانی تا عصر حاضر می‌پردازد و وضعیت علویان در دوران جنگ‌های دولت‌های صفوی و عثمانی، موقعیت آنها در دوره دولت‌های متاخر ترکیه و جریان مهاجرت بازماندگان علویان از ترکیه به مناطق شمالی سوریه و لبنان، مباحث اصلی کتاب را تشکیل می‌دهند.

نویسنده بر اعتقاد عمیق و تعلق خاطر علویان به حضرت علی(ع) تاکید کرده و بر این باور است که دو شخصیت مذهبی - تاریخی در سرگذشت علویان آناتولی نقش مهمی ایفا کرده‌اند. آن دو عبارت‌اند از: ۱- محمدبن النصیرالنمیری که وجه

تسمیه نصیریه و نمیریه - که در دوره‌هایی علویان را با این نام مورد خطاب قرار می‌دادند - به او بر می‌گردد، ۲- شیخ‌الحسین بن حمدان الخصیبی که در تدوین و تنظیم پایه‌های اعتقادی و فکری و نظری این فرقه نقش مهمی داشته است.

علویان در طول تاریخ با اسامی مختلفی شناخته شده‌اند که از آن جمله‌اند: علویه، نصیریه، نمیریه، قزلباش و علی‌اللهی.

رهبان، اعضاء و پیروان این فرقه از نوعی درجه‌بندی معمولاً سری برخوردار بوده‌اند. مؤلف علت این امر را تعقیب و آزار آنها از سوی



○ العلویون فی ترکیا (علویان در ترکیه)
○ مؤلف: یوسف الجهمانی
○ ناشر: دارالکتوز الادبیه، بیروت، ۲۰۰۲،
○ ۱۴۳ ص.

کتاب «علویان در ترکیه» تصویری از واقعیت‌های علویان مقیم ترکیه و حوادثی است که این طایفه در طول تاریخ دستخوش آن شده و تاثیر این حوادث را بر باورها و اعتقادات آنها و دست‌یابی آنها به برخی امتیازها مانند حضور در انتخابات و صحنه‌های اجتماعی و سیاسی ترکیه ارائه می‌دهد.

حکومت عثمانی فاتح این جنگ، سرکوبی شدید علیه این طایفه را در پیش گرفت و در نتیجه بیشتر رهبران و پیروان این طایفه به کوه‌ها گریخته یا در روستاهای دورافتاده مخفی شدند و گروه زیادی نیز به خارج از ترکیه، به ویژه به لاذقیه سوریه مهاجرت کردند. شاید به دلیل همین سخت‌گیری‌ها بوده که زمینه‌های پیدایش و ظهور پدیده «باطنیه» را نزد این طایفه و اعتقادات آنها شاهد هستیم. (صص ۶۱-۷۲).

مؤلف در توصیف اوضاع علویان در زمان آتاتورک و پس از سقوط عثمانیان می‌نویسد: با روی کار آمدن مصطفی کمال (آتاتورک) علویان ترکیه تا حدودی احساس آسایش و امنیت کردند، زیرا برخی از آنان بر این باور بودند که او میانه‌رو بوده و در دوران حکومت لائیک که وی پایه‌گذار آن بود، از اقدامات خصمانه‌ای که حکومت عثمانی نسبت به آنان اتخاذ می‌کرد، رهایی خواهند یافت. اما حوادث بعدی نشان داد که حکومت لائیک و ملی‌گرای آتاتورک، مانعی برای بهتر شدن وضعیت علویان، بویژه کردنشین‌های علوی ترکیه است. (صص ۷۳-۷۸).

الجهمانی درباره‌ی موضع حکومت‌های ترکیه در قرن گذشته نسبت به علویان و نیز موضع آنان نسبت به این حکومت‌ها می‌نویسد: در نیمه دوم قرن گذشته و به طور مشخص در دوران حاکمیت عدنان مندریس (۱۹۶۰-۱۹۵۰ م)، علویان به مرور در ساختار حکومت و بافت جامعه وارد شدند و به تدریج احزاب لائیک را تأیید کردند. اما تغییر و تحولات نظامی متوالی ملی‌گرایانه که در شکل‌گیری حکومت‌های لائیک ترکیه نقش اساسی داشت، به اقلیت‌های دینی و قومی با تردید، نفرت و دشمنی بسیار، به ویژه به کردها و اعراب نگاه می‌کرد. گروه‌هایی که دارای خواست‌های سیاسی و اجتماعی از جمله تشکیل احزاب، نهادها و جنبش‌های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی بودند و برای حضور نمایندگانی در سطح حکومت و انجام امور فرهنگی و دینی‌شان - مانند دیگر طایفه‌ها و اقلیت‌های حاضر در کشور - به فعالیت‌های مختلفی دست می‌زدند. در واقع رابطه‌ی دو جانبه‌ی علویان و حکومت وارد مرحله‌ی تحکیم و تقابل، بر اساس توجه یا عدم توجه به خواست‌های این طایفه شد. (صص ۱۱۴ - ۱۰۰).

دو دهه‌ی گذشته و وقوع دو حادثه‌ی جدی، حکومت را در نوع تعامل با امور علویان جدی‌تر و دقیق‌تر کرد؛ حادثه‌ی نخست آتش‌سوزی هتلی در شهر سیواس در جولای ۱۹۹۳ و حادثه‌ی دوم، تظاهراتی در استانبول در مارس ۱۹۹۵ م بود که به درگیری‌های شدیدی میان علویان و پلیس منجر شد. (صص ۱۲۶-۱۰۷).

در پایان باید گفت این اثر تصویری از واقعیت‌های علویان مقیم ترکیه و حوادثی است که این طایفه در طول تاریخ دستخوش آن شده و تاثیر این حوادث را بر باورها و اعتقادات آنان و رسیدن‌شان به برخی امتیازها مانند حضور در انتخابات و صحنه‌های اجتماعی و سیاسی ترکیه ارائه می‌دهد.